

افشای طرح تجزیه ایران توسط توطئه‌های خزنده دولت باکو

چندی است سران باکو در نشست‌های مشترک با ماموران رژیم صهیونیستی و آمریکا به توافق رسیده‌اند که زمینه‌های اختلاف افکنی قومی در آذربایجان ایران را هرچه بیشتر تشدید نمایند

well/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان

پس از تذکرات سرلشکر فیروزآبادی در زمینه ضرورت رعایت حقوق مذهبی تاریخی ایرانی تباران آن سوی ارس، دولت باکو تبلیغات ضد ایرانی خود را وسعت بیشتری بخشیده و حمله همه جانبه رسانه های همگانی باکو علیه ایران و ایرانیان ابعاد تازه ای یافته است.

چندی است سران باکو در نشست های مشترک با ماموران رژیم صهیونیستی و آمریکا به توافق رسیده اند که زمینه های اختلاف افکنی قومی در آذربایجان ایران را هرچه بیشتر تشدید نمایند که دستگیری چندین نفر از مزدوران باکو در هفته های اخیر موید این تحركات است.

بنابر این گزارش، اخیرا دولتمردان باکو با تقویت مواضع ایران ستیزانه خود تحركات گسترده ای را در مناطق آذربایجان واقعی به مرکزیت تبریز تدارک دیده اند که از آن جمله می توان به انتشار گسترده بیانیه ها و نیز کتاب های تحریف شده تاریخی در آذربایجان ایران، در راستای تفرقه افکنی بین آذری های غیرتمند ایرانی اشاره نمود.

پیشینه اقدامات ضد ایرانی دولتمردان آن سوی ارس

اران و شروان تاریخی شامل باکو، دربند، گنجه، شوشی و... پس از قرارداد شوم گلستان در 1813 میلادی به اشغال روسیه در آمد و پانزده سال بعد هم با قرارداد ننگین «ترکمانچای» که در سال 1828 میلادی به امضا رسید، ایروان، نخجوان و بخش های شمالی تالش نیز از ایران جدا و به قلمرو روسیه تزاری اضافه شد.

در فاصله سقوط نظام امپراتوری روسیه و استقرار نظام جدید کمونیستی، و به ویژه با وعده لنین مبنی بر الغای قراردادهای استعماری دوره تزاری (از جمله قراردادهای گلستان و ترکمان چای) نخستین فرصت تاریخی برای بازگشت ایران شمالی به میهن عزیز ما فراهم آمد، ولی در غفلت سران بی کفایت قاجار برای بازپس گیری این منطقه، این میدان، عرصه تاخت و تاز امپراتوری عثمانی قرار گرفت و گروهی از اندیشمندان و آزادیخواهان قفقازی، با حمایت و پشتیبانی قدرت های منطقه ای، حکومتی با نام جمهوری آذربایجان در منطقه اران و شروان تاریخی راه اندازی کردند. نامگذاری یکباره این منطقه به نام یکی از بزرگترین و مهمترین ولایات ایران از همان آغاز شایبه توطئه چشمداشت به سرزمین های ایرانی را برای اندیشمندان ایرانی به همراه داشت به گونه ای که بلافاصله با واکنش های تند همراه با نگرانی بزرگان میهن دوستی چون ملک الشعراء بهار و علامه دهخدا روبه رو شد.

با تشکیل حزب فاشیستی پان ترکیست با نام «کمیته مساوات» در باکو، فعالیت های ضدایرانی دولت باکو با حمایت دولت عثمانی شکل جدیدی به خود گرفت. با این حال، سران این حزب که در آغاز فعالیت های خود به دنبال یافتن جایگاهی منطقه ای بودند در آغاز حکومتی را در اران و شروان تاریخی با نام جعلی جمهوری دموکراتیک آذربایجان تشکیل داده و با عوام فریبی کوشیدند نگرانی ایرانیان را برای اطلاق نام جمهوری آذربایجان به اران و شروان تاریخی بی مورد نشان دهند.

بر این اساس محمدامین رسول زاده، از سران کمیته مساوات باکو، در پاسخ به اعتراض ایرانیان در 92 سال پیش نوشته است: «... از ما چرا ظنن هستید؟ باید تصور کنیم چنین گمان کرده اند که از گرفتن نام آذربایجان که اسم يك ولايت ایران است، به مسمای آن [منظور آذربایجان واقعی در ایران] نیز ما چشم داریم... دعوی مختاریت آذربایجان به هیچ وجه به جنوب ارس راجع نیست. باز بالفعل این را اثبات می کنیم...» (روزنامه ایران، شماره 439 تاریخ 26 ثور (اردیبهشت) 1298 خورشیدی)

اما وقایع تاریخی سال های پس از آن نشان داد که رهبران ضدایرانی باکو از این تغییر نام، تنها و تنها هدف توسعه طلبانه و جدایی آذربایجان واقعی از ایران را با نام جعلی و ساختگی آذربایجان جنوبی در سر می پرورانده اند و در واقع بر خلاف ادعاهای رسول زاده، پیش بینی های امثال دهخدا و ملک الشعراء بهار درست از آب در آمد و تاریخ اثبات کرد که آن ها: «بالفعل اثبات کردند» که با جعل نام آذربایجان به «مسمای» آن – یعنی معنی و مفهوم تغییر نام آذربایجان – نیز چشم داشته اند.

از سویی سران باکو در سال های پس از فروپاشی از شوروی در ژانویه 1991 هم همواره از هر ترفندی برای تفرقه افکنی بین ملت بزرگ ایران از سویی و ایجاد خط جدایی بین ایرانیان و مردم ایرانی تبار شمال ارس فروگذار نکرده اند، چنانکه در کتاب درسی چهارم دبستان دولت باکو، به دروغ ادعا شده است، 500 سال قبل کشوری به نام آذربایجان! وجود داشته که اردبیل و تبریز هم جزو آن بودند و ایرانیان که از زمان کوروش به این سرزمین تجاوز می کرده اند با همدستی روسیه آن را به دو نیم تقسیم کرده اند!!

همچنین در کتاب های درسی دولت باکو علاوه بر اینکه از دوره چنگیز و تیمور به عنوان دوران طلایی تاریخ یاد شده، به 9 استان ایران ادعای ارضی شده و حتی جالب این که مازندران و گیلان هم جزو کشور دروغین تاریخی آذربایجان به مرکزیت باکو محسوب شده اند!! همچنین در کتاب های درسی و رسمی «هنر» در جمهوری آذربایجان همه هنر ایران، آذری فرض و تعریف شده و حتی شاعران پارسی گوی چون مثل خاقانی و نظامی گنجوی (که بنا به تصریح خود شاعر زادگاهش روستای «تا» در تفرش است) و خواجه نصیرالدین طوسی نیز ترک فرض شده اند.

برنامه راهبردی دولت باکو برای تجزیه ایران

بر اساس طرح راهبردی سیاست ضد ایرانی سران باکو دامن زدن به اختلافات زبانی و گویشی منطقه آذربایجان تاریخی در راس برنامه های لابی صهیونیستی پان ترکیست ها قرار گرفته که رؤس برنامه های بلند مدت دولتمردان ضد ایرانی باکو به قرار زیر است:

1 – دامن زدن به تنوع زبانی موجود در ایران در راستای اختلاف افکنی بین ملت یکپارچه ایران در پوشش به اصطلاح هویت طلبی و دفاع از زبان آذری.

2 – توهین و فحاشی همه جانبه به هویت ایرانی، زبان ملی فارسی و تاریخ و فرهنگ ایرانی و ادعای ترک تبار و غیر ایرانی بودن آذری زبانان ایران و افتخار ورزیدن به چنگیز و تیمور و مغول.

3 – دامن زدن به طرح خواست فدرالیسم برای ایران بر مبنای تنوع زبانی موجود در ایران به عنوان مقدمه ای برای تجزیه ایران. با ژرف نگری در نیات دشمنان ضد ایرانی آن سوی ارس در تبلیغات ضد ایرانی برای تنوع زبانی در ایران می توان به خوبی به اهداف بلند مدت تجزیه طلبان که همانا فراهم نمودن مقدمات تجزیه ایران در راستای یوگوسلاویزه کردن ایران است پی برد، فراموش نکرده ایم که تجربه تجزیه در دیگر کشور ها را که بر همین مبنا شکل گرفت: سیستم اتحاد جماهیر شوروی (و تقسیم به 15 کشور مستقل)، حکومت فدرال یوگوسلاوی (و تقسیم به 6 کشور مستقل که کوزوو هم جدید ترین و هفتمین آن بوده است)، چکسلواکی (تقسیم به دو کشور چک و اسلواکی)، اتیوپی (و جدایی اریتره) و در مورد اخیر تجزیه سودان به دو بخش شمالی و جنوبی.

4- مرحله آخر: جدایی آذربایجان تاریخی از ایران و الحاق آن به اران و شروان تاریخی (با نام جعلی جمهوری آذربایجان)

بر اساس آموزه های تحریف شده ضد ایرانیان آن سوی ارس که پیشینه تاریخی جدایی 17 شهر قفقاز از ایران را تعدا از یاد برده اند چون به زعم آنان مردم آذربایجان به زبان ترکی آذری صحبت می کنند پس از نظر نژادی هیچ ارتباطی با سایر مردم ایران ندارند غیر ایرانی بوده و جزو ملت ترک هستند!! با این تحلیل غیر منطقی پس همه کشور های آفریقایی فرانسوی زبان باید خود را ملت فرانسه و همه مردم انگلیسی زبان گوشه و کنار دنیا باید خود را ملت انگلیس بدانند!!

به زعم تجزیه طلبان مورد حمایت باکو هر یک از اقوام ایرانی با هر زبان و گویش محلی، یک ملت محسوب می شوند که نژاد جداگانه ای دارند، بنابراین تعریف، مردم مازندران یک ملت! گیلانیان

یک ملت دیگر، مردم لر ملتی جدا و برای سایر زبان های رایج در ایران نیز ملت های متعدد تعریف شده است!!

بنابر این تعاریف غیر علمی و غیر تاریخی، چون زبان آذری به ترکی استانبولی نزدیک است پس نتیجه می گیرند مردم آذربایجان از نظر نژادی ایرانی نیستند نژاد ترکی دارند و پیشینه نژادی آن ها آلتایی اغوزی و مغولی است!!

با این نگرش وارونه است که این به اصطلاح هویت طلبان تجزیه طلب به خود حق می دهند نشان های ضد دینی مغولی «بوزگورد» - گرگ خاکستری - را به کار گیرند و هم زمان از هرگونه توهین و بی احترامی به هر آن چه مربوط به ایران، نژاد آریایی، تمدن کهن ایران، زبان ملی فارسی، شخصیت های تاریخی ایران زمین فرو گذار نکنند و در این میان با کمال تاسف اخیرا حتی از توهین به شاهنامه فردوسی و تحریف نام خلیج فارس نیز فرو گذار نمی کنند.

بنابراین با این پیش فرض سراسر دروغین و جعلی، ملت ایران و کشور ایران از هیچ گونه هویت تاریخی برخوردار نیست، فارسی زبانان دشمنان قسم خورده ترک ها هستند!! و باید زبان ها و گویش های مختلف رایج در ایران را به مجموعه ای از ملت های مختلف باز تعریف کرد، تا پس از آن با جا انداختن سیستم فدرالیسم قومی در فرصت مناسب اقدامات عملی تجزیه ایران صورت پذیرد. این تفرقه افکنی زبانی و در نتیجه تفرقه ساختگی قومی در ایران هیچ پایه و اساسی ندارد چرا که پیوند های خانوادگی قومی میان فارس زبانان با آذری ها، کردها، گیلکی ها و.. آتچنان هویت ملی ایرانی را در هم تنیده که تفکیک پذیری را به حد اقل رسانده است. حال این پرسش باید پاسخ داده شود که همچون منی که پدرم کرد، مادرم آذری و مادر بزرگ مادری من مازندرانی بوده است در چه دسته بندی ابداعی فدرال خواهان باید قرار گیرم!؟

مرز کشیدن و ملت سازی در ایران به بهانه تنوع زبانی موجود در ایران، برنامه های پرهزینه و بلند مدت ایجاد خاورمیانه جدید توسط دولت آمریکا و موسساتی چون «امریکن اینتر پرایز» و حمایت های بی پروای سیاست مداران آمریکایی همچون «مایکل لدین» از تجزیه طلبان ایرانی، سخنان «صدام» و «طارق عزیز» در شروع جنگ هشت ساله که رسماً بیان کردند: «برای ما پنج ایران کوچک بسیار بهتر از یک ایران بزرگ است.»

اعلام رسمی سران رژیم صهیونیستی که بار ها گفته اند چند ایران کوچک برای ما بهتر از یک ایران بزرگ است، نقشه های فاش شده ایران تجزیه شده تهیه شده توسط «برنارد لوبیس» انگلیسی، نقشه های منتشر شده جدایی آذربایجان و کردستان و خوزستان و بلوچستان ایران توسط «رالف پیترز»، اقدامات اطلاعاتی و امنیتی پشت پرده اسرائیل و آمریکا در جوار مرز های شمال غربی ایران و محدودیت های غیرقابل توجیه علیه ایرانی تباران شمال ارس همه تاییدی است بر زنگ خطری که برای تمامیت ارضی ایران به صدا درآمده است.

تنوع قومی زبانی در اران و شروان تاریخی

در پایان نکته قابل توجه این است که سران باکو با دامن زدن به ادعاهای ضد ایرانی به بهانه دفاع از آذری زبانان ایرانی خود بیشتر متضرر خواهند شد چرا که در جمهوری موسوم به آذربایجان با کمتر از هشت میلیون نفر جمعیتی (بر اساس آمار دولتی) تنوع زبانی گسترده ای وجود دارد و در مقابل تنها سه و نیم میلیون نفر آذری یک میلیون و پانصد هزار نفر تالشی و صدها هزار مردم لرگی، ارمنی، کرد، روس و.. هم وجود دارند که بر این اساس هر یک از آنان نیز از حق تعیین سرنوشت و جدایی از دولت باکو برخوردار خواهند بود.

پایان پیام.